

در جوابیه‌های ارسال شده به چارسوق تاکید شد:

بانک مرکزی: همتی مسئول تورم نیست



تنها رئیس بانک مرکزی که خود را مسئول تورم نمی‌داند



اکبر کمیجانی

ابراهیم شیبانی

محمد حسین عادل

طهماسب مظاهری

محمود بهمنی



ولی‌الله سیف



محسن نوربخش



علی صالح‌آبادی



مجید قاسمی



محمد رضا فرزین

رؤسای بانک مرکزی که خود را مسئول تورم می‌دانستند

رابطی به رئیس بانک مرکزی ندارد اما پاسخ نداده چطور پس از افزایش شدید نرخ تورم در دولت اصلاح طلب حسن روحانی که همتی رئیس بانک مرکزی بود، در دولت شهید رئیسی نرخ تورم به شدت پایین آمد اما بلافاصله با شروع دولت چهاردهم نرخ تورم مجدداً صعودی شد و اکنون رکورد ۸۰ سال اخیر را زده است؟ آیا مشکلات مزمن اقتصادی در دولت شهید رئیسی به تعطیلات رفته بودند و فقط در دوره‌هایی که اصلاح طلبان بر سر کار می‌آیند و همتی رئیس بانک مرکزی می‌شود فعال می‌شوند؟ آیا جز این است که اتخاذ سیاست‌های نادرست آزادسازی خصوصاً در بازار ارز که توسط همتی اجرا شده عامل بالاترین تورم ۸۰ سال اخیر ایران بوده است؟

کرده و تاکنون هیچ کدام از رؤسای قبلی بانک مرکزی نگفته بودند من مسئول تورم نیستم و تا زمانی که مشکلات مزمن اقتصاد هست و تحریم ادامه دارد از من کاهش تورم را نخواهید. بانک مرکزی همچنین چارسوق را به تعریف آمار تورم سال ۱۳۹۷ در زمان شروع به کار همتی متهم کرده است. در پاسخ باید اعلام کرد نرخ تورم نقطه به نقطه در تیرماه ۱۳۹۷ یعنی آخرین ماه عملکرد ولی‌الله سیف به بیش از ۱۸ درصد رسیده بود و در اردیبهشت ۱۴۰۰ که آخرین ماه عملکرد همتی بود به ۵۹ درصد رسید. بنابراین افزایش بیش از ۴۰ واحد درصدی تورم نقطه به نقطه در دوره ریاست همتی، دقیق است و بانک مرکزی اعلام کرده که علت تورم، مشکلات مزمن اقتصادی است و

بانک مرکزی در جوابیه به روزنامه چارسوق اعلام کرده که افزایش تورم ربطی به عملکرد عبدالناصر همتی ندارد. بانک مرکزی همچنین ادعا کرده که با توجه به شرایط کشور راهکاری برای کاهش تورم وجود ندارد! بانک مرکزی همچنین به طور تلویحی بود و نبود رئیس کل بانک مرکزی را در وضعیت تورم بی‌فایده خوانده و همه مسائل را به شرایط تحریمی ربط داده است. این در حالی است که همتی زمانی که در دولت پزشکبان وزیر اقتصاد بود مدعی بود که بانک مرکزی مسئول کاهش تورم است. ضمن اینکه در ۴ دهه اخیر همه رؤسای بانک مرکزی، مسئولانه نسبت به وظایف خود از جمله کنترل تورم عمل

متن جوابیه بانک مرکزی

مدیرمسئول محترم روزنامه چارسوق
با سلام و احترام:

تورم را رقم بزند چراکه همه می‌دانیم عوامل خارجی از جمله تحریم و جنگ، اثرگذاری بسیار بالایی بر تورم دارد.

آقای همتی در سخت‌ترین شرایط ممکن (تحریم‌های حداکثری، جهش ارزی، کرونا و افت درآمدهای نفتی) این مسئولیت را پذیرفته و همیشه برای حفظ ثبات اقتصادی در شرایط بحران تلاش کرده است. تورم نقطه به نقطه هنگام ورود همتی به بانک مرکزی در دوره اول دولت روحانی در حال افزایش بود و تحت تأثیر شوک‌های شدید ارزی به سطوح بالا رسید. بنابراین ادعای افزایش ۴۰ درصدی از ۱۸ به ۵۸ درصد بدون بیان شرایط آن دوره، اغراق آشکار است. واقعیت این است که تورم در آن دوره تحت تأثیر عوامل خارج از کنترل بانک مرکزی بود و همتی با مدیریت بازار ارز و جلوگیری از سقوط آزاد ریال، از فاجعه بزرگ‌تر جلوگیری کرد.

حتی با این وجود نیز ادعای افزایش ۴۰ واحد درصدی تورم نقطه به نقطه در دوره اول ریاست عبدالناصر همتی در بانک مرکزی (از ۱۸ درصد به ۵۸ درصد) با آمار رسمی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی همخوانی ندارد. بر اساس داده‌های موجود، تورم نقطه به نقطه هنگام شروع به کار ایشان (مرداد ۱۳۹۷) بر اساس گزارش مرکز آمار ۱۹.۴ درصد و بر اساس گزارش بانک مرکزی ۲۴.۲ درصد و در پایان دوره (اردیبهشت ۱۴۰۰) بر اساس گزارش مرکز آمار ۴۷ درصد و بر اساس گزارش بانک مرکزی ۵۹ درصد بوده است.

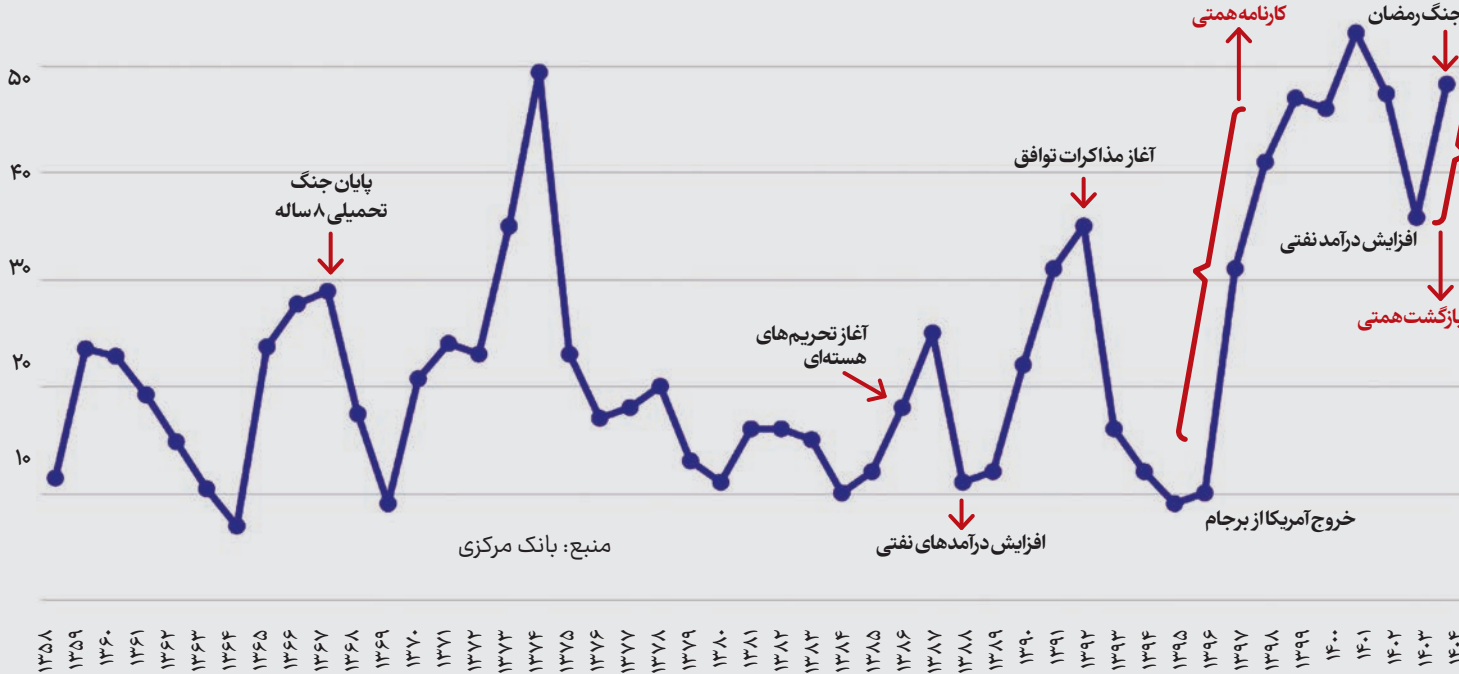
نسبت دادن رشد ۲۷ درصدی تورم در ۵ ماه اخیر به عبدالناصر همتی نیز غیرمنصفانه است. زیرا اثرات دو جنگ تحمیلی تمام عیار کشور، محاصره شدید اقتصادی، تورم انباشته از دوره‌های قبل، کاهش درآمدهای دولت و ناترازی‌های مزمن بودجه به طور عمده نادیده گرفته شده است.

روزنامه چارسوق در گزارشی با عنوان «مقایسه عملکرد رؤسای بانک مرکزی در کنترل تورم طی ۴ دهه اخیر: سلطان تورم کیست؟» در تاریخ ۱۷ خردادماه ۱۴۰۵ به بررسی عملکرد رؤسای کل بانک مرکزی پرداخته است. بر همین اساس و به موجب قانون مطبوعات، جوابیه بانک مرکزی برای انتشار در اولین شماره بعد از ارسال جوابیه و با همان اندازه و تیتیر در صفحه اول آن روزنامه به شرح زیر ارسال می‌شود.

روایت غیرواقعی چارسوق از عملکرد همتی در بانک مرکزی / قضاوت تحریف‌شده با دستکاری ارقام در پاسخ به یادداشت روزنامه چارسوق تحت عنوان «مقایسه عملکرد رؤسای بانک مرکزی در کنترل تورم طی ۴ دهه اخیر: سلطان تورم کیست؟»، نکات زیر را به منظور تویتر افکار عمومی و پرهیز از سیاه‌نمایی غیرکارشناسانه متذکر می‌شویم. روزنامه چارسوق با انتشار یادداشتی پر از ارقام دستکاری شده، اغراق‌های بی‌پایه و حمله شخصی، دوباره دست به سیاه‌نمایی عبدالناصر همتی زده است. این روش همیشگی برای فرار از واقعیت‌های اقتصادی و انداختن همه تقصیرها بر دوش یک مدیر است، در حالی که تورم مزمن ایران ریشه در مشکلات ساختاری عمیق دارد.

قانون بانک مرکزی، مهار تورم را وظیفه اصلی این نهاد می‌داند و اکثر رؤسای کل بانک مرکزی در دوره‌های مختلف تمرکز خود را بر کاهش تورم گذاشته‌اند اما تا زمانی که کسری بودجه دولت، استقرار از بانک مرکزی، جنگ و تحریم‌های فلج‌کننده و شوک‌های ارزی خارج از اراده رئیس کل وجود داشته باشد، هیچ مدیری نمی‌تواند کاهش

رند تورم



روزنامه چارسوق نیز بهتر است به جای شخص‌گرایی و سیاه‌نمایی، سراغ نقد ساختارهای بیمار اقتصاد ایران برود. حمله به عبدالناصر همتی، مشکل تورم را حل نمی‌کند؛ اما پذیرش واقعیت‌های تلخ تحریم، جنگ و آثار آن، کسری بودجه و ناترازی بانک‌ها، ممکن است به اصلاح اساسی منجر شود. از طرفی دیگر قانون مطبوعات اجازه افشاشگری و تقد منصفانه را می‌دهد، اما اجازه تحریف واقعیت و حمله ناعادلانه را نمی‌دهد. مردم ایران به خوبی می‌دانند که حل تورم نیازمند اصلاحات ساختاری است، نه حمله به رئیس کل بانک مرکزی و نه یادداشت‌های تند و یک طرفه. همتی آمد تا مدیریت کند، نه اینکه اعمال سیاست‌های پوپولیستی و چشم‌پوشی از هدررفت منابع ارزی کشور و فساد اقتصادی را ادامه دهد و همچنان در این راه ایستاده است. حتی سیاه‌نمایی چارسوق، واقعیت عملکرد او را تغییر نخواهد داد.

مرور چهار دهه گذشته به روشنی نشان می‌دهد: هرگاه تحریم‌ها تشدید شده، فروش نفت کاهش یافته و تورم نیز بدون توجه به نام رئیس کل بانک مرکزی، افزایش یافته است. برعکس، در مقاطعی مانند توافق برجام، تورم بدون تغییرات مشکلات ساختاری و ناشی از کاهش فشار تحریم یا افزایش فروش نفت، کاهش یافته است. پس نسبت دادن اوج‌های تورم صرفاً به یک فرد، نه تنها غیرعلمی، بلکه نوعی فراقلمی از ریشه‌های واقعی بحران و سوءاستفاده از شرایط برای دستیابی به اهداف سیاسی است. آقای همتی در دو نوبت سخت‌ترین پست اقتصادی کشور را پذیرفته است و برجسب‌زنی به او، نه فقط ناعادلانه، بلکه توهین به درک اقتصادی مردم است. نیک می‌دانید تا جنگ و محاصره اقتصادی هست، تا کسری بودجه و خلق پول بدون پشتوانه ادامه دارد، تورم دست از دامان اقتصاد برخواهد داشت. در شرایط تحریم و جنگ، وظیفه هر فردی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی، دنبال کردن اصلاحات ساختاری اقتصادی و جلوگیری از سوءاستفاده و ایجاد فساد ناشی از اعمال سیاست‌های پولی و ارزی اشتباه است.

اداره روابط عمومی

توجه‌گرایان‌ها نیاورند. نهایت تأثیر جنگ بر بخش تولید تخم‌مرغ کشور ۱۰ تا ۱۵ درصد است. آنچه امروز بر سر تولیدکننده، مصرف‌کننده و خود دولت آمده به دلیل اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه ۱۴۰۴ بدون پیش‌بینی تبعات آینده آن است. یعنی ۸۵ درصد گرانی‌ها به خاطر سیاست حذف ارز ترجیحی دولت به وجود آمده و اصلاً ربطی به شرایط جنگی ندارد. بگذارید صریح بنویسم و بگویم که برای ما تولیدکنندگان هیچ بهانه‌ای از سوی دولت قابل قبول نیست. چراکه قبلاً هم تجربه ارز ترجیحی وجود داشته است. دولت سیزدهم از ۴۲۰۰ تومانی را حذف کرد و قیمت ارز نهاده‌ها را به ۲۴ هزار تومان افزایش داد. اما ما اینقدر که این ۶ تا ۷ ماه اخیر زجر کشیدیم آن زمان مشکل نداشتیم. یعنی تجربه موفق این کار در گذشته وجود داشته است. اما افسوس که از آن تجربه موفق در دولت چهاردهم بهره‌ای برده نشد.

آقای دولت! ۷۰ تا ۸۰ درصد واحدهای تولیدی ما به دلیل سیاست‌های غلط شما امروز از مدار تولید خارج شده‌اند. اگر سرمایه لازم برای بازگشت به خط تولید تا پیش از اجرای حذف ارز ترجیحی، ۲۵ تا ۳۰ میلیارد تومان بود؛ امروزه ما ۱۲۵ تا ۱۵۰ میلیارد تومان در هر واحد تولیدی برای بازگشت به مدار تولید نیاز داریم. حقیقت امر، ۷۰ تا ۸۰ درصد واحدهای ما اصلاً سرمایه‌ای به این مقدار ندارند و از همین رو تولید تخم‌مرغ کشور ضربه سختی خورده است. آیا این حق ما بود که ذرت از ۱۱ هزار تومان به ۵۵ هزار تومان برسد؟ سوپا از ۲۰ هزار تومان به ۱۲۰ هزار تومان برسد؟ به طور میانگین قیمت مواد اولیه و نهاده‌های تولید ۵ تا ۱۰ برابر افزایش یافته اما ظاهراً سرنژشت تولیدکنندگان تخم‌مرغ کشور برای هیچ مسئولی اهمیت ندارد. به نظرم دوستان خوب ما در دولت اینقدر بهانه شرایط جنگی را برای

متقدم دولت چهاردهم هیچ برنامه مشخصی برای کنترل آثار تبعات حذف ارز ترجیحی بر بازار نداشته و ندارد. گویی بازار به حال خودش رها شده و تصور دوستان این است که هر اتفاقی هم در بازار بیفتد در نهایت تولید با شرایط جدید وفق پیدا کرده و ادامه خواهد یافت. شاید دولت مشکلات ما تولیدکنندگان را نمی‌داند. بنابراین لازم می‌دانم برای شروع بگویم که در این ایام روزانه در حال ۳۰۰ میلیارد تومان ضرر هستیم و کسی هم به داد ما نمی‌رسد. ای کاش زمان به عقب بازمی‌گشت و آقای رئیس‌جمهور کمی زودتر خیر حذف ارز ترجیحی را به ما می‌داد. آخر ناسلامتی صنف ما مانده تولیدکنندگان تخم‌مرغ به عنوان یک محصول مهم در سفره مردم است. آیا باید فقط ۴۸ ساعت قبل از اجرای طرح حذف ارز ترجیحی ما از آن مطلع می‌شدیم؟ آیا راه و رسم برخورد با تولید و تولیدکننده چنین است؟

حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی عامل گرانی‌ها است

حمیدرضا کاشانی
رئیس اتحادیه مرغداران میهن
(مرغ تخم‌گذار)





تسهیلات واردکنندگان ۵ برابر شد دست تولیدکنندگان خالی ماند!

هم‌زمان با حذف ارز ترجیحی، سهم بازیگران بزرگ بازار کالاهای اساسی از منابع بانکی افزایش قابل توجه داشته است.

حذف ارز ترجیحی طی سال‌های اخیر همواره با این استدلال از سوی سیاست‌گذاران دنبال شده که تخصیص ارز ارزان‌قیمت به واردات کالاهای اساسی، زمینه‌ساز رانت، فساد و توزیع غیرشفاف منابع بوده و باید به سمت نظامی حرکت کرد که پارانه مستقیماً به مصرف‌کننده نهای برسد. با این حال، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که حذف ارز ترجیحی اگرچه به افزایش قیمت کالاهای اساسی منجر می‌شود، اما لزوماً به کاهش انحصار یا حذف رانت در زنجیره واردات نمی‌انجامد. در بسیاری از موارد، فشار ناشی از افزایش سرمایه در گردش و رشد هزینه تأمین کالا، موجب خروج تدریجی واردکنندگان کوچک و متوسط از بازار شده و سهم بازیگران بزرگ را افزایش داده است.

فعالان اقتصادی معتقدند واردات کالاهای اساسی پس از حذف ارز ترجیحی به منابع مالی بسیار بیشتری نیاز دارد؛ موضوعی که دسترسی به آن برای همه فعالان اقتصادی یکسان نیست. در چنین شرایطی، شرکت‌هایی که از شبکه‌های گسترده مالی، دسترسی به اعتبارات کلان بانکی و پشتوانه‌های اقتصادی قدرتمند برخوردارند، امکان حفظ یا توسعه سهم خود در بازار را پیدا می‌کنند؛ در حالی که واردکنندگان کوچک‌تر عملاً توان رقابت را از دست می‌دهند.

بررسی تازه آثار تسهیلات کلان منتشرشده در پایگاه بانک مرکزی نیز نشانه‌هایی از همین روند را آشکار می‌کند. بر اساس این آمار، مجموع تسهیلات دریافتی دو شرکت وابسته به یکی از واردکنندگان بزرگ کالاهای اساسی کشور از حدود ۲٫۳ هزار میلیارد تومان در پایان آذرماه ۱۴۰۴ به بیش از ۱۳٫۲ هزار میلیارد تومان در پایان اسفندماه همان سال رسیده است؛ رقمی که بیانگر رشد بیش از پنج برابری حجم تسهیلات دریافتی این مجموعه طی تنها سه ماه است.

این در حالی است که بخش قابل توجهی از واردکنندگان کوچک و متوسط در ماه‌های اخیر نسبت به دشواری تأمین سرمایه در گردش، محدودیت دسترسی به اعتبارات بانکی و افزایش هزینه‌های مالی هشدار داده‌اند؛ مسائلی که ادامه فعالیت در بازار کالاهای اساسی را برای بسیاری از آنها دشوار کرده است.

کارشناسان اقتصادی تأکید می‌کنند چنانچه حذف ارز ترجیحی بدون ایجاد سازوکارهای رقابتی، شفافیت در تخصیص اعتبارات و تسهیل دسترسی فعالان مختلف به منابع مالی انجام شود، نتیجه آن می‌تواند انتقال رانت از یک بخش به بخش دیگر و افزایش تمرکز بازار باشد. در چنین شرایطی، اگرچه ارز ترجیحی حذف شده است، اما ساختار انحصاری بازار نه تنها از بین نمی‌رود بلکه با خروج بازیگران کوچک، تقویت تیرمی می‌شود.

نکته قابل تأمل آن است که برخی از بزرگ‌ترین فعالان بازار کالاهای اساسی علاوه بر حضور گسترده در زنجیره واردات و توزیع، از نفوذ قابل توجهی در شبکه مالی و بانکی نیز برخوردارند. موضوعی که به اعتقاد منتقدان، می‌تواند مزیت رقابتی این بازیگران را نسبت به سایر فعالان اقتصادی افزایش دهد و عملاً برندگان همیشگی سیاست حذف ارز ترجیحی را در جایگاه مسلط تری قرار دهد.

اکنون این پرسش مطرح است که آیا حذف ارز ترجیحی توانسته به هدف اصلی خود یعنی کاهش رانت و گسترش رقابت دست یابد یا آنچه در عمل، با افزایش قیمت کالاهای اساسی برای مصرف‌کنندگان و تقویت موقعیت بازیگران بزرگ، تنها شکل رانت و انحصار را تغییر داده است؟ بررسی دقیق تر نحوه تخصیص تسهیلات بانکی و سهم بازیگران مختلف از منابع مالی می‌تواند پاسخی روشن‌تر به این پرسش ارائه کند. در شرایطی برخی از شرکت‌ها توانستند،

۶ برابر قبل از حذف ارز ترجیحی تسهیلات بگیرند که بسیاری از واحدهای تولیدی کوچک‌تر هنوز دسترسی به تسهیلات ندارند. در همین راستا عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صمت، از «انحراف بزرگ» در تخصیص این منابع می‌گوید و تصریح می‌کند، «در حالی که بانک مرکزی از پرداخت مالیاتی حتی فراتر از مصوبه (بیش از ۸۸۴ همت) خبری می‌دهد، پایش‌های میدانی نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از واحدهای تولیدی نیازمند، عملاً از این سفره بی‌بهره مانده‌اند. نکته کلیدی و به‌نوعی «گره اصلی» این گزارش در همین جا است، بانک‌ها به جای تزریق پول به بدنه واحدهای کوچک و متوسط (SMEs) که موتور محرک اشتغال هستند، منابع را به سمت غول‌های صنعتی و هلدینگ‌های بزرگ سرازیر کرده‌اند.

این شرکت‌های بزرگ به دلیل قدرت چانه‌زنی بالا و روابط دیرینه با شبکه بانکی، به راحتی توانسته‌اند این اعتبارات را به‌بعدند؛ آن‌هم در حالی که بخش بزرگی از این مبالغ، عملاً «پول جدید» نبوده و صرفاً تسهیلات جاری و قدیمی این شرکت‌ها بوده که توسط بانک‌ها تمدید شده و با برچسب «طرح حمایتی ۷۰۰ همتی» در آمارها گنجانده شده است، این یعنی یک «بازی دو سربرد» برای بانک و غول‌های واردکننده و یک «باخت بزرگ» برای تولیدکننده واقعی.

گزارش

بامداد چهارشنبه دولت تروریستی آمریکا به چند منطقه از جنوب کشورمان حمله کرد. علت این حمله هم اتهامات یک بالگرد آمریکایی بود که به خاک کشورمان تجاوز کرد و توسط پهپاد های سیاه سرنگون شد.

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در یک موضع گیری فوری و شتاب‌زده در شبکه ABC News مسئولیت مستقیم حملات به ایران را پذیرفت و آن را «پاسخ قاطع» به سرنگونی یک فروند بالگرد آمریکایی اعلام کرد.

بر اساس گزارش‌های اولیه، این حملات عمدتاً زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله مخازن آب آشامیدنی بخش بمانی سیریک و چندین دکل مخابراتی را هدف قرار داد و خسارت‌هایی به بار آورد.

اما پاسخ ایران فراتر از پیش‌بینی‌های پناگنون بود. تهران با عملیاتی برق‌آسا، ترکیبی و چندلایه، معادلات را دگرگون کرد. طبق اطلاع‌رسانی رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء (ص): «ابتدا پدافند هوایی نوبن سپاه یک فروند پهپاد غول‌پیکر جاسوسی و رادارگریز آمریکایی از نوع Reaper-۹۰ MQ را در آسمان شهرستان جم (استان بوشهر) رهگیری و با دقت ساقط کرد. این اقدام به عنوان «خط و نشان اولیه» تلقی شد.

بلافاصله موج گسترده‌ای از حملات پهپادی و موشکی مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران آغاز شد. نیروی دریایی ارتش و سپاه با استفاده از پهپادهای انتحاری پیشرفته، سامانه‌های راداری و تأسیسات ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحیرین و پایگاه‌های «علی‌السالم» و «الجهراء» در

کویت را به شدت هدف قرار دادند.

هم‌زمان، نیروی هوافضای سپاه با شلیک موشک‌های بالستیک سوخت جامد دوربرد (از جمله خانواده‌های قدرتمند خرمشهر و سجیل)، آسمان اردن را درنوردید. تصاویر ماهواره‌ای و ویدئوهای منتشرشده از اصابت دقیق به پایگاه‌های استراتژیک «اللزرق» و به‌ویژه «موفق السلطی» محل استقرار جنگنده‌های نسل پنجم F-۳۵ آمریکایی حکایت دارد. پدافند‌های هوایی منطقه قادر به رهگیری مؤثر این موشک‌ها نبودند.

سپاه پاسداران رسماً اعلام کرد که در این عملیات متقابل، ۲۵ هدف کلیدی آمریکایی و متحدینش مورد حمله قرار گرفته است. منابع نظامی ایرانی تأکید کرده‌اند که انتخاب اهداف با دقت بالا و بر اساس بانک اطلاعاتی به‌روز انجام شده است.

تعییردکترین، موازنه وحشت و پیام‌های راهبردی

این درگیری بی‌سابقه چندین لایه کلیدی را آشکار ساخت که می‌تواند معادلات امنیتی خاورمیانه را برای ماه‌ها و سال‌های آتی بازتعریف کند:

۱. **خطای محاسباتی ترامپ و تحول دکترین بازدارندگی ایران:** ترامپ با رویکرد تا جرم‌نشانه و تهاجمی خود، گمان می‌برد یک ضربه محدود به سواحل ایران کافی است تا برتری نظامی آمریکا را تحمیل کند. اما پاسخ «پلکانی، متقارن و فراتر از انتظار» ایران نشان داد دکترین نظامی تهران از مرحله «صبر استراتژیک» به «پاسخ فوری، چند جانبه و ویرانگر» ارتقا یافته است. تنوع جغرافیایی پاسخ (از خلیج فارس تا عمق خاک اردن) ثابت کرد بانک اهداف ایران جامع، به‌روز و کاملاً عملیاتی است.

۲. دیپلماسی موشکی و زبان دویم تهران

توییت معنادار محمد باقر قالیباف («به زبان‌های دیگر بسیار روان‌تر سخن می‌گوییم») همراه با اظهارات قاطعانه سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، تصویری هماهنگ از اتحاد جنگ سیاسی-نظامی ایران ارائه داد. عراقچی با تأکید بر اینکه «تنگه هرمز بین‌المللی نیست و هزاران مایل با خاک آمریکا فاصله دارد»، مشروعیت حضور نظامی واشنگتن در منطقه را به چالش کشید. این رویکرد، دیپلماسی را به طور کامل به میدان نبرد گره زده است؛ با پذیرش خروج تدریجی

یا مواجهه با ریسک «تبادل آتش مستمر».

۳. فروپاشی چتر حمایتی آمریکا بر فراز متحدان منطقه‌ای

فعال شدن آژیرهای خطر در بحرین، کویت و اردن و اصابت مستقیم به آشیانه‌های F-۳۵، پیام شفافیه به کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکایی ارسال کرد: «خاک شما قربانی ماجراجویی‌های واشنگتن خواهد شد». بالاترین سطح هشدار در پایگاه‌های امارات و قطر نیز حاکی از شوک عمیق به شبکه پدافندی سنتگام است. موشک‌های سوخت جامد ایران ثابت کردند که فاصله جغرافیایی دیگر ضمانت ایمنی نیست.

آمریکا باز هم به میز مذاکره حمله کرد

۴. ابعاد اقتصادی و انرژی جنگ

هرگونه تشدید تنش می‌تواند به سرعت برشریان‌های حیاتی انرژی جهان تأثیر بگذارد. کارشناسان هشدار می‌دهند که بستن کامل تنگه هرمز توسط ایران، قیمت جهانی نفت را به سطوح بی‌سابقه خواهد رساند و تورم جهانی را شعله‌ور خواهد کرد. این بعد، فشار بر تصمیم‌گیران آمریکایی را به شدت افزایش می‌دهد.

چشم‌انداز پیش‌رو:

منطقه اکنون بر لبه انبار باروت ایستاده است. اگر ترامپ تحت تأثیر غرور سیاسی به تلاقی مجدد روی آورد، با توجه به هشدار صریح قرارگاه خاتم‌الانبیاء درباره «بانک اهداف تعیین‌شده بعدی»، شعله‌های جنگ نه تنها پایگاه‌های نظامی، بلکه تأسیسات نفتی، مسیرهای کشتیرانی و اقتصاد جهانی را در بر خواهد گرفت. تهران همچنان زبان دیپلماسی و مذاکره را ترجیح می‌دهد، اما بامداد سرخ خلیج فارس به وضوح نشان داد که «زبان موشک» نیز دستور زبانی دقیق، سریع و بی‌رحمانه‌ای در اختیار دارد.

سپاه پاسداران رسماً اعلام کرد که در این عملیات متقابل، ۲۵ هدف کلیدی آمریکایی و متحدانش مورد حمله قرار گرفته است. منابع نظامی ایرانی تأکید کرده‌اند که انتخاب اهداف با دقت بالا و بر اساس بانک اطلاعاتی به‌روز انجام شده است

مستقیم تجارت را افزایش داده، بلکه در سطح کلان، برنامه‌ریزی تولید و سرمایه‌گذاری را دشوارتر کرده و زنجیره تأمین ایران را به طور محسوس با اختلال مواجه کرده است.

تنوع بخشی کربدورها؛ الزام امنیتی، نه انتخاب تئورینی
در چنین چارچوبی، بحث تنوع بخشی کربدورهای تجاری و ترانزیتی، یک توصیه کلی و شعاری نیست، بلکه یک الزام امنیتی است. هرچه سهم یک مسیر در تأمین کالاهای حیاتی بیشتر باشد، انگیزه و امکان استفاده از آن به عنوان ابزار فشار بالاتر می‌رود.

راه‌حل نیز صرفاً در ترسیم نقشه‌های جدید روی کاغذ خلاصه نمی‌شود. توسعه واقعی کربدورهای شمال-جنوب و استفاده جدی‌تر از ظرفیت بنادر ایران، مستلزم ارتقای زیرساخت، نظم بخشی به

فرآیندهای گمرکی، کاهش بروکراسی و افزایش پیمان‌های تأجرو واردکننده ایرانی، سرعت، شفافیت و سهولت کار در امارات را به مراتب جذاب‌تر از بنادر داخلی بیابد، هر کربدور جایگزین صرفاً به صورت نمادین در اسناد سیاستی باقی می‌ماند.

در کنار محور شمال-جنوب، اتصال موثرتر به کربدورهای شرق-غرب نیز اهمیت دارد؛ از جمله توسعه مسیرهای ریلی و جاده‌ای به ترکیه، قفقاز و آسیای میانه و استفاده هدفمند از ظرفیت بنادر کشورهای دیگر منطقه مانند عمان، قطر یا پاکستان برای برخی گروه‌های کالایی. همچنین تقویت زیرساخت‌های مرزی با عراق، ترکیه و آسیای میانه می‌تواند بخشی از فشار بر کربدور امارات را کاهش دهد؛ به‌ویژه در حوزه کالاهایی که الزاماً نیازمند عبور از هاب‌های بزرگ دریایی نیستند.

در نهایت باید توجه داشت که وابستگی زنجیره تأمین به کربدور امارات، محصول یک تصمیم واحد نبوده، بلکه نتیجه تجمعی سال‌ها انتخاب خرد فعالان اقتصادی در پاسخ به محیط تحریم، ضعف زیرساخت داخلی و مزیت‌های عملیاتی امارات است. به همین دلیل، کاهش این وابستگی نیز صرفاً با یک بخشنامه یا یک پروژه نمادین محقق نمی‌شود.



عمل اثر نامتقارنی روی جریان کالاهای مرتبط با ایران دارند.

سوم، امکان هدف‌گیری گزینشی بخش‌های حساس است. با توجه به داده‌های دریایی محموله‌ها و شبکه اطلاعاتی گسترده آمریکا و متحدانش، شناسایی جریان‌های کالایی مرتبط با بخش‌های خاص اقتصاد ایران -از صنایع نظامی گرفته تا بخش‌های حساس صنعتی و فناوری- دشوار نیست. در محیط فعلی، هر محموله‌ای که تصور شود می‌تواند به توان دفاعی، صنعتی یا فناوریانه ایران کمک کند، احتمالاً با سطح بالاتری از کنترل یا حتی انسداد مواجه خواهد شد. نتیجه تقویت زیرساخت‌های مرزی با عراق، ترکیه و آسیای میانه است؛ وقفه‌هایی که آثارشان در خط تولید یا بازار داخلی به سرعت آشکار می‌شود.

در نهایت، باید توجه داشت که نااطمینانی ساختاری از پیش از جنگ بیشتر یک ریسک نظری بود، اکنون به واقعیت روزمره فعالان اقتصادی تبدیل شده است. پرسشی که پیش‌تر جنبه احتیاطی داشت -این‌که «آیا محموله‌ای از امارات به‌موقع می‌رسد یا نه؟»- اکنون در بسیاری از موارد به این سطح رسیده که «آیا اساساً امکان ارسال یا دریافت این محموله وجود دارد یا خیر؟». این نااطمینانی، نه فقط هزینه‌های

گلوگاه امارات؛ پاشنه آشیل زنجیره تأمین ایران

دبی و جبل علی به گلوگاه تجارت خارجی ایران تبدیل شده‌اند؛ گلوگاهی که با هر تنش منطقه‌ای می‌تواند جریان تأمین کالا به کشور را با اختلال و هزینه‌های سنگین مواجه کند.

در بحث امنیت اقتصادی معمولاً به تحریم، شوک‌های ارزی یا کسری بودجه اشاره می‌شود اما کمتر به این پرسش پرداخته‌ایم که «زنجیره تأمین» ایران دقیقاً از کجا آسیب‌پذیر است. طی دو دهه اخیر، امارات -به‌ویژه بنادر دبی و جبل‌علی- به گره اصلی عبور بخش قابل توجهی از کالاهای وارداتی و حتی بخشی از صادرات ایران تبدیل شده‌اند. نتیجه این روند، شکل‌گیری نوعی وابستگی ساختاری است که تا زمانی که همه چیز عادی پیش می‌رود، چندان به چشم نمی‌آید اما در لحظه بحران می‌تواند خود را به صورت اختلال جدی در تولید، تجارت و حتی تأمین کالاهای حساس نشان دهد.

اگر تا پیش از نهم اسفند، بحث «سلاح‌سازی زنجیره تأمین» بیشتر در سطح سناریو و هشدار نظری مطرح می‌شد، اکنون در میانه جنگ تمام‌عیار آمریکا و اسرائیل علیه ایران و با توجه به نقش فعال امارات به عنوان یکی از بازوهای عملیاتی این ائتلاف، بخش مهمی از آن وارد مرحله عینی شده است. از حدود ۱۰۰٪ پیش‌تأمین کالاهای مرتبط با اقتصاد ایران و امارات به‌طور محسوس رو به تیرگی رفته و آن حاشیه امن نسبی که در سال‌های گذشته برای تجارت غیرمستقیم وجود داشت تا حد زیادی فرسوده شده است.

از مزیت عملیاتی تا نقطه فشار بالقوه

نقش بنادر دبی و جبل‌علی برای ایران، دوگانه است. از یک‌سو، این بنادر به دلیل عمق کافی، تجهیزات مدرن، اتصال به شبکه گسترده خطوط کشتیرانی و چارچوب مقرراتی نسبتاً شفاف، یک مزیت عملیاتی واقعی برای تجارت منطقه‌ای ایجاد کرده‌اند و به‌ویژه در شرایطی که بسیاری از شرکت‌های



اخبار



افزایش قیمت بنزین اجحاف به مردم است

نایب‌رئیس کمیسیون انرژی مجلس با انتقاد از طرح مباحث مربوط به افزایش قیمت بنزین، تأکید کرد که تا زمانی که سیاست خودروپی کشور اصلاح نشود، هرگونه افزایش قیمت سوخت به معنای اجحاف به مردم خواهد بود.
نمی‌توان از یک‌سو مردم را ناچار به استفاده از خودروهای پرمصرف و گران قیمت داخلی کرد و از سوی دیگر هزینه بنزین را افزایش داد؛ چراکه نمی‌شود هم بیاز را خورد و هم شلای را.»

محمد رشیدی درباره این که با شرایط کشور، بحث بنزین و موضوع بهینه‌سازی مصرف سوخت مطرح شده است و این موضوع چگونه امکان‌پذیر است که هم کاهش ناترازی داشته باشیم و هم بتوانیم مردم را در این زمینه همراه کنیم، بحث مصرف بهینه و صرفه جویی از اموری است که باید اتفاق بیفتد؛ اما رخ دادن مصرف بهینه و صرفه جویی، لوازم خودش را می‌خواهد و سیاست‌هایی در این زمینه باید تغییر کند.

این عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: همان‌طور که بارها و بارها گفته شد، من معتقدم تا زمانی که سیاست خودروپی ما اصلاح نشود، مصرف بهینه بنزین محقق نخواهد شد. ما نمی‌توانیم واقعاً به مردم اجحاف کنیم؛ یعنی بگوییم مردم، شما بنزین گران بخريد، در حالی که خودروهای اجباری نیز به شما داده‌ام و باید از همین خودروهایی که در داخل تولید می‌شوند، به دلیل انحصار موجود، با قیمت بسیار بالا و مصرف بسیار زیاد استفاده کنید. نمی‌شود هم بیاز را خورد و هم شلای را. ما نمی‌توانیم چنین کاری با مردم انجام دهیم؛ این کار اشتباه است.

وی ادامه داد: من این‌تا حد تأکید کرده‌ام که با افزایش قیمت بنزین مخالفم، مگر آنکه ابتدا سیاست خودروپی خود را اصلاح کنیم. اکنون برای خودروسازهای داخلی بازاری ایجاد کرده‌ایم؛ چون واردات را متوقف کرده بودیم و اکنون نیز اندکی واردات را با تعرفه آزاد کردیم؛ اما این تعرفه نیز به این معناست که دوباره برای همین خودروسازی داخلی بازار ایجاد کرده‌ام.

رشیدی تأکید کرد: من هم معتقدم که باید حتماً از تولید داخل حمایت کنیم. این موضوع جزو سیاست‌های کلان نظام و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری است و همه ما به تولید داخل معتقدیم؛ اما چه نوع تولیدی؟ تولیدی که بهینه باشد. تولیدی که امروز در داخل بهینه نیست؛ یعنی بهره‌وری را کاهش داده، موجب افزایش مصرف بنزین شده و خودروهای داخلی امروز دو برابر نرم جهانی مصرف می‌کنند.

وی با اشاره به مصرف بالای بنزین در کشور عنوان کرد: امروز مصرف در داخل موجب شده است که ما روزانه بیش از ۱۲۰ میلیون لیتر مصرف بنزین داشته باشیم. این مصرف به گازهای آلاینده تبدیل شود، سلامت مردم را به خطر بیندازد. هزینه‌های گزاف بهداشت و درمان را بر دوش ما بگذارد و از سوی دیگر، بخش زیادی از انرژی که ما هدر دهد؛ انرژی‌ای که می‌تواند در داخل انرژی داشته باشد و به جای آنکه به گازهای آلاینده تبدیل شود، از بین می‌رود. نمی‌توانیم همه این موارد را با مردم حساب کنیم.

این نماینده مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: ابتدا باید سیاست خودروپی خود را اصلاح کنیم و به موازات اصلاح این سیاست، بتوانیم بگوییم که بهینه‌سازی در حال انجام است و پس از آن، سیاست‌های قیمتی برای بنزین نیز اعمال کنیم؛ اما چون این کار انجام نشده، به مردم اجحاف می‌شود. وی در پاسخ به این که موضوع دیگری که اکنون مطرح است و با توجه به اینکه صنایع ما در حوزه نفت و پتروشیمی آسیب دیده‌اند، بحث خاموشی‌ها در کشور مطرح است و مردم از این بابت نگران هستند و اینکه آیا ما در تابستان و به‌ویژه در فصل زمستان با خاموشی مواجه خواهیم شد و آیا گاز صنایع ما قطع خواهد شد، گفت: اگر بخواهیم شعاری سخن بگوییم، قطعاً می‌گوییم خیر؛ اما اگر واقع‌بینانه به مسائل نگاه کنیم و صادقانه با مردم سخن بگوییم و آنان را آگاه کنیم، بله؛ هم با خاموشی مواجه خواهیم بود و هم صنایع ما با کمبود سوخت روبه‌رو خواهند شد.

این عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با اشاره به نقش مدیریت سوخت برای جلوگیری از قطعی برق و گاز، گفت: ما باید این موضوع را مدیریت کنیم و بتوانیم با سیاست‌های تشویقی و همچنین توسعه و تسریع در بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر که در دسترس و زودبازده هستند، این کمبود را جبران کنیم؛ یعنی در کوتاه‌ترین زمان ممکن آن را جبران نماییم. وی با بیان این که انرژی‌های تجدیدپذیر در مدیریت مصرف و بهینه مصرف کردن انرژی و سوخت بسیار مهم هستند، عنوان کرد: امروز بسیاری از افرادی که می‌خواهند در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، به‌ویژه پنل‌های خورشیدی، سرمایه‌گذاری کنند، با شرایط مناسبی مواجه نیستند.

این عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: ما شرایط لازم را برای کسانی که امروز می‌خواهند از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده کنند، تسهیل وفرهام نکرده‌ایم؛ چه در زمینه زمین‌هایی که باید در اختیارشان قرار گیرد، چه در زمینه پست‌هایی که باید در دسترس باشند، چه در خصوص شرایط اتصال سریع تر به شبکه و چه در زمینه تسهیلاتی که باید در اختیار آنان قرار گیرد و صندوق نیز موظف به انجام آن شده است. این موارد امروز روان نیست و سرعت لازم را پیدا نکرده است. وی ادامه داد: از سوی دیگر، هم صنایع ما با کمبود انرژی مواجه‌اند و هم تعدادی از فزاهای گازی ما در سولویه از مدار خارج شده‌اند؛ البته در حال بازسازی سریع آن‌ها هستیم تا هرچه زودتر به مدار بازگردند. همین عوامل باعث شده است که ناترازی در آن بخش تا حدودی تشدید شود. این عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با اشاره به نقش مردم در صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف، گفت: مردم باید در این زمینه کمک زیادی کنند. بهترین کمک این است که از مردم درخواست کنیم در مصرف انرژی حداکثر همکاری را داشته باشند و صرفه‌جویی قابل توجهی انجام دهند. وی افزود: مدیریت مصرف در شرایط کنونی یک امر واجب است و مشارکت عمومی می‌تواند نقش مؤثری در حفظ پایداری شبکه انرژی، کاهش فشار بر زیرساخت‌ها و تأمین نیازهای کشور در بخش‌های مختلف داشته باشد؛ اما این کافی نیست؛ برای اینکه بتوانیم صنایع خود را حفظ کنیم و از مدار خارج نشوند، باید در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر سرعت عمل بیشتری داشته باشیم. این نماینده مجلس شورای اسلامی ادامه داد: امروز آن سرعتی که مدنظر ما در کمیسیون است، واقعاً محقق نشده و ما عقب هستیم. قرار بوده سالانه ۱۰ هزار مگاوات به ظرفیت تولید اضافه کنیم، در حالی که اکنون پایان سال به یک سال و اندی گذشته و حداکثر ۵ هزار مگاوات ممکن است تا پایان سال وارد مدار شود. این میزان کافی نیست و نسبت به برنامه حداقل ۵۰ تا ۶۰ درصد عقب هستیم؛ بنابراین باید سیاست‌های تشویقی، تسهیلات و کاهش بوروکراسی اداری را جدی‌تر بیشتری دنبال کنیم.

اقتصاد ایران نمی‌تواند منتظر متغیرهای خارجی بماند؛

راه، راه استقلال اقتصادی و تکیه بر داشته‌های درونی است. پس از گذشت قریب به صد روز از جنگ تحمیلی و تجربه روزهای پرنوسان اقتصادی، واقعیت تلخ این است که اوضاع اقتصادی چندان مطلوب نیست. تورم و رکود همچنان گریبانگیر اقتصاد است و بسیاری از راهبردی‌ها کلان ترسیم‌شده توسط رهبر شهید، در بونه اجرا با کندی، مقاومت ساختاری و از همه مهم‌تر «عدم درک صحیح بدنه اجرایی» مواجه شده است؛ اما در لایه‌های زیرین این ناآرامی‌های اجرایی، یک دستاورد بزرگ و راهبردی نهفته است که هیچ تحریم و فشاری نتوانست آن را مخدوش کند و آن «تغییر پارادایم» است. رهبر شهید با طرح‌ریزی و معماری منسجم و هدفمند خود توانست ادبیات اقتصاد ایران را تغییر دهد و گفت‌مان «مقاومت، درونی‌زایی و نفی وابستگی» تا جای ممکن برای مخاطب تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز خود نشین و راهبردی کند؛ اما این نوع گفت‌مان سازی از چه مسیر سیاست‌ورزانه‌ای پیش رفته است؟

کالدی‌شکافی گذار از اعتیاد نفتی

یکی از ریشه‌ای‌ترین دغدغه‌های ایشان در طول بیش از سه دهه، راهی اقتصاد ایران از «بیماری هلندی» و اعتیاد مزمن به نفت بود. ایشان سال‌ها پیش از آنکه نوسانات بازار جهانی، خام‌فروشی را به یک تهدید امنیتی تبدیل کند، هشدار دادند که تکیه بر درآمد‌های نفتی، امنیت ملی را گروگان تصمیمات فراملی می‌کند. شعار معروف «نفت باید اسیر ما باشد، نه ما اسیر نفت» [۱] نقشه راهی برای قطع وابستگی بوده‌چه جاری به درآمد‌های ناپایدار بود.

طرح ایده «صندوق توسعه ملی» و بعدها تأکیدات مکرر بر تکمیل زنجیره ارزش از طریق «پتروپالایشگاه‌ها»، دقیقاً در همین

راستا طراحی شده بود تا شریان حیاتی اقتصاد را از خام‌فروشی نجات دهد. ایشان در سال ۱۳۸۵ در جلسه تبیین سیاست‌های اصل ۴۴، هشدار دادند که صندوق توسعه ملی به مرور «کم‌انرو کم‌خاصیت» شده است و دلیل آن را «برداشت‌های غیرقانونی دولت‌ها» برشمردند. [۲]

اما گذار از اقتصاد نفتی بدون تغییر در «مدل اداره کشور» ممکن نبود. از نگاه ایشان، ثروت واقعی نه در چاه‌های نفت، بلکه در نیروی انسانی و ظرفیت‌های مغفول‌مانده داخلی نهفته است. به همین دلیل، تأکید بر تولید داخلی و حمایت از کالای ایرانی، در اندیشه اقتصادی ایشان جایگاهی فراتر از یک توصیه ساده داشت؛ ایشان تولید را «جهاد اقتصادی» و تنها مسیر مصون‌سازی کشور در برابر تکانه‌های خارجی می‌دانستند.

در این میان، نقش بخش خصوصی و مردم حلقه مفقوده این گذار تاریخی بود. رهبر شهید انحصار دولت در اقتصاد را نه تنها ناکارآمد، بلکه مانع اصلی تحقق عدالت می‌دانست. از نگاه او، بخش خصوصی و تعاونی‌ها ابزارهایی تزئینی نبودند، بلکه موتورهای محرک ثروت‌آفرینی محسوب می‌شدند. برای روشن شدن این نگاه، چنین مثالی می‌زد: «فرض کنید یک موتوروی است که می‌تواند بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور او می‌روید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه باری را که در این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید، هن و هن دارید جلو می‌روید؛ هم نمی‌رسید، هم خسته می‌شوید، هم بار حمل نمی‌شود، هم این موتور بیکار می‌ماند. این موتور، بخش خصوصی است» [۳].

به باور او، دولت به جای آنکه اداره اقتصاد را به موتور توانمند بخش خصوصی بسپارد، خود بار را بر دوش کشیده و در میانه راه از حرکت بازمی‌ماند. او حتی از تجربه دهه ۶۰ نیز یاد می‌کرد که توصیه امام خمینی مبنی بر واگذاری کارها به مردم، به غلط تفسیر می‌شد و «مردم» را به معنای توده نیازمند دریافت کمک دولتی معنا می‌کردند، نه بخش خصوصی توانمند.

گذار از «وابستگی دیپلماتیک» به «تاب‌آوری ساختاری»

کلیدی‌ترین مفهوم نظری‌ای که رهبر شهید در حوزه اقتصاد



بازخوانی سیاست‌ورزی و راهبری اقتصادی رهبر شهید انقلاب

بین الملل مطرح کرد، چارچوب «اقتصاد مقاومتی» [۴] بود. در سال‌های ابتدایی، بسیاری از تحلیلگران این واژه را مترادف با «اقتصاد رهاشتی» یا «انزوای اقتصادی» تلقی می‌کردند؛ اما اگر یک دهه بعدتر به بیانات او برگردیم، یک خوانش متفاوت هم وجود دارد. اقتصاد مقاومتی در اندیشه‌او، یک «مدل سوم» بود؛ نه شبیه سرمایه‌داری محور غرب و نه شبیه سوسیالیسم دولتی برنامه‌ریزی‌شده از بالا.

اقتصاد مقاومتی در اندیشه او، اقتصادی «درون‌زا و بیرون‌گر» بود؛ یعنی تکیه بر ظرفیت‌های درونی، اما تعامل فعال با جهان. در دروانی که جریان‌های غالب، تجویزهای نهادهای مالی بین‌المللی را تنها راه درمان بیماری‌های اقتصاد ایران معرفی می‌کردند و گشایش معیشت را مشروط به امضای توافق‌نامه‌های خارجی می‌دانستند، ایشان هشدار دادند که بزرگ‌ترین آفت اقتصاد ما، «شرطی‌سازی» آن نسبت به متغیرهای خارج از کنترل است. تأکید مکرر او بر اینکه «نباید بنا را بر گشایش بیرونی گذاشت» [۵]، لاشی برای تغییر جهت‌گیری استراتژیک کشور بود. تجربه تلخ برجام در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷، مصداق عینی این هشدار بود. رهبر شهید در خرداد ۱۳۹۷، پس از خروج آمریکا از برجام، خطاب به مسئولان گفت: «اقتصاد کشور را از راه برجام اروپایی نمی‌شود درست کرد. این‌کسه بعضی میگویند «اگر برجام شد اقتصاد درست می‌شود» [۶]، و اگر نشد خراب می‌شود» [۶]، خطاست. اقتصاد به عوامل دیگری احتیاج دارد.» از نظر رهبر شهید تا

زمانی که حلقه‌های مفقوده زنجیره تأمین (از قطعات خودرو تا صنایع بالادستی نفت و گاز) در داخل تکمیل نشود، دیپلماسی سیاسی فاقد پشتوانه لازم خواهد بود و مذاکرات نیز به جای ایجاد فرصت، به عامل تعلیق تصمیم‌گیری‌های داخلی تبدیل می‌شوند.

باید اذعان کرد که درک پایین بسیاری از مسئولان و حتی بخشی از جامعه باعث شد که همواره چشم به درهای بسته غرب بدورند. کندی حرکت اقتصاد در دهه‌های گذشته و اتلاف فرصت‌ها، مدیون همین نگاه‌های خسته و منتظر بود. برای نمونه، سیاست‌های کل اصلی ۴۴ که در سال ۱۳۸۴ ابلاغ شد تا پایان حیات رهبر شهید همچنان با مقاومت‌های ساختاری روبه‌رو بود. او در سال ۱۴۰۱ با صراحت هشدار داد: «متأسفانه بسیاری از مسئولین این‌ریط به این سیاست‌ها عمل نکردند؛ یکی از علل تنزل اقتصاد ما در دهه ۹۰ همین بود.» [۷] این فاصله میان نظریه و عمل، مهم‌ترین چالش پیش‌روی میراث‌اوست. اما با وجود این همه نقص در اجرا و مقاومت ساختاری، همین که اقتصاد ایران در اوج تحریم‌های فلج‌کننده و جنگ تمام‌عیار اقتصادی به جای فروپاشی، توانست دوام بیاورد و حتی در بخش‌هایی رشد کند، نشان‌دهنده ظرفیت عظیم همین معماری نظری است.

پیوند ناکسنتی تولید و عدالت

یکی از بخش‌های کلیدی در اندیشه اقتصادی او، پیوند «تولید» و «عدالت» بود. او بارها گفته بود که رشد اقتصادی اگر همراه با عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی باشد، نه تنها ارزشی ندارد، بلکه جامعه را شکننده می‌کند. او همواره با تیزبینی یک فقیه آگاه به زمان، هشدار می‌داد که «اقتصاد منهای عدالت» [۸] از دایره اقتصاد اسلامی خارج است. در این راستا، مبارزه با فساد، یک «واجب شرعی» و پیش‌شرط کارآمدی اقتصادی بود. او در دیدار با فعالان اقتصادی هشدار داده بود: «اگر در یک جایی احساس کردید در دستگاه‌های دولتی شائبه فساد وجود دارد، نباید هیچ ملاحظه‌ای بکنید. بیماری فساد اقتصادی بشدت واگیردار است.» از سوی دیگر، او با نگاهی تک‌ریم‌آمیز، تولید را «جهاد» و کارگر را «رزمنده خط مقدم جنگ اقتصادی» [۹] نامید و حمایت از کالای ایرانی را تلاشی برای حفظ شغل و کرامت کارگر ایرانی می‌دانست. [۱۰]

سخن آخر آنکه، آنچه از رهبر شهید به یادگار مانده، چهارچوبی عملیاتی و ناتمام است. چهارچوبی که حروف الفبایش روشن و شامل چهار بعد تولید، دانش، عدالت و مردمی‌سازی است؛ اما این چهارچوب برای ماندگاری و تبدیل شدن به یک پارادایم علمی پایدار در سال ۱۴۰۵، نیازمند ورود جدی دانشگاهیان است. تنها در این صورت است که این اندیشه به ساختاری مستقل از شخصیت‌ها تبدیل می‌شود. بهترین راه بزرگداشت آن بزگوار، تداوم مسیری است که او ترسیم کرد؛ اما نه با شعار که با اجرائی دقیق.

اقتصاد ایران دیگر نمی‌تواند منتظر متغیرهای خارجی بماند؛ راه، راه استقلال اقتصادی و تکیه بر داشته‌های درونی است.

[۱] بیانات در دیدار مسئولان نظام،

۱۳۹۷/۳/۰۲

[۲] تبیین سیاست‌های اصل ۴۴، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

[۳] بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت ۱۳۸۹/۰۶/۰۸ [۴] ابلاغ رسمی در بهمن ۱۳۹۲ [۵] گزیده‌ای از بیانات در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی ۱۳۹۹/۹/۰۴

[۶] بیانات در دیدار مسئولان نظام، خرداد ۱۳۹۷

[۷] دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی بخش خصوصی با رهبر

انقلاب ۱۳۰۳/۱۱/۴۳

[۸] بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت ۱۳۹۰/۶/۰۴

[۹] بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ۱۳۹۰/۱۱/۰۴

[۱۰] بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷/۱۰/۰۱



استفاده از ابزارهای تأمین مالی غیرتورمی ضروری

است. در این چارچوب انتشار اوراق بدهی دولتی، صکوک، صندوق‌های پروژه، مشارکت عمومی- خصوصی و بهره‌گیری هدفمند از دارایی‌های مالی دولت از مهم‌ترین گزینه‌های پیش‌روی سیاست‌گذاران اقتصادی به‌شمار می‌روند.

بر اساس گزارش‌های تحلیلی بازار سرمایه، افزایش اوراق بدهی دولتی می‌تواند یکی از شفاف‌ترین و کارآمدترین روش‌های تأمین مالی کسری بودجه و هزینه‌های بازسازی باشد؛ مشروط بر آن‌که انتشار می‌دهند متکی شدن به منابع پر قدرت پولی در دوران بازسازی تورم را در سطوح بالا نهادینه کرده و بستر نامنی اقتصادی را گسترش می‌دهد؛ بنابراین تأمین مالی بازسازی‌ها صرفاً از طریق ترانزنامه بازار سرمایه و بخش خصوصی و اسنادد کامل کاتال ترانزنامه بانک مرکزی می‌تواند قاعده‌های پایدار و پاسخگ در نظر گرفته شود.

تأمین مالی غیرتورمی؛ پیش‌نیاز بازسازی پایدار

در پروژه‌های مرتبط با مسکن، حمل‌ونقل، انرژی و

سایر زیرساخت‌های عمومی می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. هدایت سرمایه‌های خرد و کلان به سمت پروژه‌های مولد ضمن تسریع روند بازسازی، فشار مالی بر بودجه عمومی را نیز کاهش می‌دهد.

نقش کلیدی بازار سرمایه در بازسازی

بازار سرمایه می‌تواند به ستون اصلی تأمین مالی بازسازی تبدیل شود؛ زیرا برخلاف روش‌های مبتنی بر خلق پول منابع مورد نیاز را از محل پس‌اندازها و سرمایه‌های موجود در اقتصاد جذب می‌کند و در نتیجه آثار تورمی کمتری به‌همراه دارد. همچنین توسعه بازار اولیه اوراق بدهی و شفاف‌سازی وضعیت کسری بودجه امکان تأمین مالی دولت را با هزینه اقتصادی کمتر و کنترل بهتر تورم فراهم می‌سازد.

در شرایط کنونی بازسازی پس از جنگ باید به پایه مالی سازی منابع استوار باشد، نه پولی سازی کسری بودجه. دولت می‌تواند و باید منابع لازم برای بازسازی را جذب کند، اما این منابع باید از مسیر بازار سرمایه، اوراق بدهی، ابزارهای تأمین مالی و مشارکت بخش خصوصی تأمین شوند، نه از طریق استقراض از بانک مرکزی یا استفاده از نتخواه که در نهایت به افزایش نقدینگی و تشدید تورم منجر می‌شود.

با این وجود تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که موفقیت در بازسازی پس از جنگ و بحران، بیش از آنکه به حجم منابع مالی و وابسته باشد به شیوه تأمین و مدیریت این منابع بستگی دارد. در شرایطی که اقتصاد ایران همچنان با چالش‌هایی همچون تورم مزمن، کسری بودجه و محدودیت‌های مالی روبه‌رو است، استفاده از روش‌های مبتنی بر خلق سرمایه‌گذاری پروژه و مدل‌های ترکیبی مبتنی بر سهام و بدهی، ظرفیت قابل توجهی برای تأمین مالی طرح‌های زیربنایی دارند. این ابزارها به‌ویژه در پروژه‌های مرتبط با مسکن، حمل‌ونقل، انرژی و



اختلاف اتابک وهمتی بر سروام ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی

✂ با گذشت چند ماه از تصویب بسته ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی حمایت از تولید، در روایت متفاوت درباره سرنوشت این بسته مطرح است؛ در حالی که وزارت صمت می گوید تولیدکنندگان هنوز بهره‌ای از این تسهیلات نبرده‌اند، بانک مرکزی اعلام می کند نه تنها این رقم پرداخت شده بلکه میزان پرداخت‌ها از سقف تعیین شده نیز فراتر رفته است.

در نیمه دوم دی‌ماه سال گذشته و هم‌زمان با اجرای سیاست اصلاحات ارزی و حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار ۵۰۰ تومانی برای تولید، دولت برای کاهش شوک واردشده به بخش صنعت و کنترل آثار تورمی ناشی از تغییرات ارزی، بسته‌ای حمایتی را تصویب کرد که براساس آن مقرر شد ۷۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی در اختیار واحدهای تولیدی قرار گیرد.

هدف از این بسته حمایتی کمک به بنگاه‌هایی بود که در پی تغییر سیاست‌های پولی و ارزی و انتقال تأمین ارز صنایع از تالار اول مرکز مبادله به تالار دوم و حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی با افزایش هزینه‌های تولید و اختلال در تأمین مواد اولیه مواجه شده بودند.

در همین راستا، وزارت صنعت، معدن و تجارت حدود ۱۱ هزار و ۳۰۰ واحد تولیدی را برای دریافت این تسهیلات به بانک مرکزی معرفی کرد. با این حال، با گذشت حدود شش ماه از تصویب این مصوبه، هنوز بخش قابل توجهی از واحدهای معرفی شده موفق به دریافت تسهیلات نشده‌اند.

انتقاد فعالان اقتصادی از عملیاتی نشدن بسته حمایتی

در روزهای اخیر نیر صمد حسن‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی ایران با انتقاد از روند اجرای این بسته حمایتی اعلام کرد: با وجود پیش‌بینی تسهیلات، ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی برای حمایت از تولیدکنندگان، هنوز این حمایت‌ها در عمل اجرایی نشده و در حد وعده باقی مانده است. به گفته وی، تولیدکنندگان تاکنون اثر محسوس‌ای از اجرای این بسته حمایتی مشاهده نکرده‌اند.

در همین زمینه آرمان خالقی، دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت نیز اعلام کرده است که تا امروز بازخوردی از دریافت این تسهیلات از سوی واحدهای صنعتی مشاهده نشده و در شبکه فعالان صنعتی نیز مورد مشتمعی از بهره‌مندی بنگاه‌ها از این منابع گزارش نشده است.

توضیحات وزارت صمت درباره نحوه تخصیص تسهیلات

در مقابل، عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت با تشریح روند اجرای این طرح گفت: در آغاز اجرای این بسته حمایتی که از ۲۱ بهمن ۱۴۰۴ آغاز شد، واحدهای معرفی شده در چهار گروه دسته‌بندی شدند.

به گفته وی، گروه نخست واحدهایی بودند که بخش عمده کالاهای وارداتی خود را ترخیص کرده و تنها بخش کوچکی از کالا در گمرک باقی مانده بود. گروه دوم واردکنندگانی بودند که در صف دریافت ارز قرار داشتند، گروه سوم واحدهایی بودند که مواد اولیه خود را از بورس کالا تأمین می کردند و گروه چهارم نیز واحدهای کوچک‌تری بودند که واردکننده مستقیم نبودند و مواد اولیه را از طریق بازرگانان تهیه می کردند.

زارعی با اشاره به اینکه ۱۱ هزار و ۲۸۶ کد شناسایی برای دریافت تسهیلات معرفی شده است، گفت: در بهترین حالت حدود ۴۰ درصد از این کدها توانسته‌اند از تسهیلات استفاده کنند و بخش قابل توجهی از واحدهای کوچک و متوسط هنوز به این منابع دسترسی پیدا نکرده‌اند. وی معتقد است بخش قابل توجهی از تسهیلات پرداختی به واحدهای بزرگ اختصاص یافته است؛ در حالی که هدف اصلی بسته حمایتی، کمک به بنگاه‌های کوچک و متوسط بوده که بیشترین آسیب را از تغییر سیاست ارزی دیده‌اند.

به گفته زارعی، در بررسی‌های انجام‌شده مشخص شده است که از میان واحدهای معرفی شده، حدود ۶ هزار و ۹۲۷ واحد که عمدتاً کوچک و متوسط هستند هنوز تسهیلاتی دریافت نکرده‌اند و در مقابل حدود ۴ هزار و ۳۵۹ واحد موفق به دریافت تسهیلات شده‌اند. وی همچنین این پرسش را مطرح کرد که آیا تسهیلات اعلام‌شده واقعاً منابع جدیدی بوده که به واحدهای هدف اختصاص یافته یا بخشی از آن به شکل تمدید، استسحال یا پرداخت تسهیلات به مشتریان دائمی بانک‌ها ثبت شده است.

پاسخ بانک مرکزی: پرداخت ۸۸۴ همت تسهیلات

در مقابل، توحد عمرانی، معاون اداره عملیات بانک مرکزی اعلام کرد که آیین‌نامه پرداخت این تسهیلات در ۱۷ بهمن سال گذشته تصویب شده و براساس آن بانک مرکزی موظف بوده منابع را به بنگاه‌هایی پرداخت کند که از سوی وزارتخانه‌های مرتبط معرفی می شوند. وی تأکید کرد که بانک مرکزی هیچ نقشی در انتخاب یا گزینش شرکت‌ها نداشته و فهرست دریافت‌کنندگان تسهیلات از سوی وزارتخانه‌ها ارائه شده است.

در روزهای اول، در مجموع ۸۸۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات در قالب ۲۱ هزار و ۷۲۹ قفره پرداخت به بنگاه‌های معرفی شده اختصاص یافته است؛ رقمی که حتی ۱۸۴ هزار میلیارد تومان بیشتر از سقف تعیین شده در مصوبه دولت است.

او همچنین تأکید کرد که این تسهیلات جدا از تسهیلات عادی نظام بانکی بوده و بانک مرکزی برای تمامی پرداخت‌ها آمار دقیق ارائه می دهد.

چالش اصلی: تسهیلات به چه بنگاه‌هایی رسیده است؟

با وجود این توضیحات، همچنان پرسش اصلی فعالان صنعتی این است که چه میزان از این منابع واقعاً به بنگاه‌های کوچک و متوسط رسیده است؛ همان بنگاه‌هایی که هدف اصلی بسته حمایتی دولت بوده‌اند. به گفته مسئولان وزارت صمت، در صورتی می‌توان اجرای این طرح را موفق دانست که واحدهای تولیدی به‌ویژه صنایع کوچک مستقر در شهرک‌های صنعتی از این تسهیلات بهره‌مند شده باشند؛ در غیر این صورت، حتی اعلام پرداخت صدها هزار میلیارد تومان تسهیلات نیز به معنای تحقق هدف اصلی این بسته حمایتی نخواهد بود.

■ پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۵

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۳۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



با وجود تکمیل مدارک و دریافت پیامک تایید اتفاق افتاد؛

سه ماه انتظار برای دریافت مقرر ی بیکاری

گزارش

✂ خبرگزاری اصلاح‌طلب‌ایلنا در گزارشی نوشته است: مشاهدات نشان می‌دهد ثبت‌نام کنندگان بیمه بیکاری که در اسفند و فروردین تقاضای مقرر ی داده‌و در لیست دریافت‌کنندگان هستند، هنوز پس از سه‌ماه چیزی دریافت نکرده‌اند. موج اصلی بیکاران متقاضی مقرر ی بیمه بیکاری که در دو ماه اسفند و فروردین فرآیندهای اداری دریافت مقرر ی را کامل انجام داده‌و پیامک نهایی ارسال پرونده به شعبه محلی را گرفته‌اند، انتظار داشتند تا امروز مقرر ی بیکاری را دریافت کنند که هنوز این اتفاق نیفتاده است. در هفته‌های گذشته اخباری مبنی بر تأخیر در واریز مقرر ی بیکاری مطرح شد که جامعه کارگری و به‌ویژه جمعیت انبوه متقاضیان مقرر ی بیکاری را نگران ساخت؛ متقاضیانی که رهنمای برخی ادعاها، جمعیت آن حداقل بین ۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر است.

هنوز مقامات سازمان تأمین اجتماعی و دولت نسبت به این اخبار واکنش نشان نداده‌اند، اما مشاهدات میدانی از فاصله فراوان میان زمان ثبت‌نام نهایی و دریافت مقرر ی حکایت می‌کند؛ به نحوی که گزارش می‌شود بیکارشدگان اسفندماه نیز هنوز اولین مقرر ی خود را دریافت نکرده‌اند. برخی از این بیکارشدگان پیامک نهایی را در فروردین برخی نیز در ابتدای اردیبهشت دریافت کردند. در چنین شرایطی، به‌نظر می‌رسد احتمال پرداخت آرام آرام مقرر ی‌ها از نیمه تابستان جدی است؛ واین یعنی بیش از سه‌ماه تأخیر در پرداخت مقرر ی بیکاری.

در میدان چه خبر است…؟

مجید رحمتی (عضوهیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار تهران) درباره صحت و سقم شایعات پیرامون نپرداختن مقرر ی بیمه بیکاری توضیح داد: واقعیت این است که نه مدیران استانی تأمین اجتماعی و

نه مدیران ادارات کار شهرستان‌ها اطلاعی از کلیت وضعیت پرداخت مقرر ی بیمه بیکاری ندارند و به همین دلیل شاید در ارائه اطلاعات

دست به عصا حرکت می‌کنند. این مدیران ستادی در پایتخت هستند که آمارهای جمع‌بندی شده تعداد متقاضیان بیمه بیکاری و دریافت‌کنندگان مقرر ی که هم‌اکنون حقوق بیمه بیکاری برایشان واریزمی‌شود را در اختیار دارند. این مسئولان موظف به اطلاع‌رسانی در این مورد هستند.

وی تأکید کرد: آنچه که ما می‌دانیم، مانند بسیاری از فعالان مشکلات کارگری که با کارگران شاغل و بیکار در تماس هستند، اطلاعات محدودی از ثبت‌نام کنندگان است. تا جایی که ما مشاهده کردیم، ثبت‌نام کنندگان بیمه بیکاری که در اسفند و فروردین تقاضای مقرر ی داده و در لیست دریافت‌کنندگان هستند، هنوز پس از سه ماه چیزی دریافت نکرده‌اند.

در دیگر استان‌های کشور نیز وضع بر همین منوال است. عبدالعلی کریمی (دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز) در این ارتباط گفت: ما از بین متقاضیان بیمه بیکاری در دوره جنگ و پس از آن، کسی را ندیدیم که مقرر ی دریافت کرده باشد، اما مدیرکل تأمین اجتماعی استان اطلاع داده که از میان ۴ هزار متقاضی جدید بیمه بیکاری پس از جنگ، دست کم ۵۰ درصد در حال دریافت مقرر ی بیمه بیکاری هستند.

وی اضافه کرد: به نظرمی‌رسد بین آمار بیکاران با آمار متقاضیان بیمه بیکاری تفاوت‌های جدی وجود داشته باشد: دریافت‌کنندگان بیمه بیکاری جمعیت اندکی را شامل می‌شوند که دریافت بیمه بیکاری حق قانونی آن‌ها است. علاوه بر استان‌های صنعتی بزرگ مثل تهران و قزوین، در شهرستان‌ها نیز وضعیت بر همین منوال است. برای مثال، مجتبی حاجی‌زاده (دبیر اجرایی خانه کارگران و بیدکل) نیز در این ارتباط بیان می‌کند: من در این مدت در منطقه خودمان موردی ندیدم که در اسفندماه و فروردین برای دریافت مقرر ی بیمه بیکاری ثبت‌نام کرده باشند و مقرر ی‌اش برقرار شده باشد. این تأخیر در تمام شهرها

کشور، با کمبود مواد اولیه مواجه شده، گفت: بسیاری از واحدهای ما به صورت غیرمستقیم از جنگ آسیب دیدند و در آن ایام بخشی از نیروی کار خود را تعدیل کردند؛ اما پس از این اخراج‌ها با ورود ستاد تسهیل و رفع موانع تولید، برخی از واحدهای تولیدی با کمک دولت مجدداً اقدام به راه‌اندازی فعالیت خود کردند و بخشی از بیکاران به چرخه کار برگشتند.

وی افزود: متأسفانه موارد سوء استفاده کارفرما از شرایط جنگی و اخراج نیروی کار که موجب معرفی کارگر به سامانه بیمه بیکاری شده، در استان گلستان بالا بود و این رفتار، موجب طولانی شدن فرآیند بررسی و رسیدگی پرونده‌های بیمه بیکاری شد. در مجموع ما خبر داریم که از زمان جنگ تا امروز ۱۵۰۰ پرونده بیمه بیکاری در گلستان پذیرفته شده ولی اغلب در مراحل اداری قرار دارند و از این تعداد حدود ۱۵۰ نفر (۱۰ درصد) به عنوان بیکار دوره دوره جنگ، در حال دریافت مقرر ی بیکاری هستند.

استان لرستان نیز یکی از استان‌های پر مراجع به بیمه بیکاری است؛ اما داستان واحدهای این استان متفاوت است. شکل‌های کارگری رسمی از وضعیت پرداخت مقرر ی بیمه بیکاری، ابزار بی‌اطمعی می‌کنند زیرا مدیران مربوطه هنوز اطلاعاتی به شکل‌ها ارائه ندادند.

اما در این رابطه، یکی از کارگران بیکار شده نساجی بروجرد، با اشاره به معرفی هزار کارگر این مجموعه در ابتدای جنگ اخیر به بیمه بیکاری گفت: همه ما کارگران به صورت یکجا در سامانه ثبت‌نام کردیم و قبل از عید متقاضی بیمه بیکاری شدیم. در ابتدا ثبت‌نام برقراری مقرر ی مقرر ی به ما داده شد و در ابتدا مبلغ کامل مقرر ی را به ما پرداختند اما پس از گذشت دو ماه، گویا به دلیل افزایش شدید متقاضیان بیمه بیکاری در استان لرستان، مبلغ بسیار کمتری نسبت به ماه قبل به اغلب کارگران بیکار شده پرداخت شد. این منبع کارگری تصریح کرد: وقتی همکاران بیکار شده ما به مقامات مسئول مراجعه کردند، عمدتاً با این پاسخ مواجه شدند که مبالغ به دلیل سوابق بیمه‌ای متفاوت کارگران کاسته شده اما ما می‌دانیم این ادعا معنادار از «سربراز کردن» است و از نظر قانونی چیزی به نام کاهش مبلغ مقرر ی بیمه بیکاری (یعنی آن مبلغی که به کارگر در پایان ثبت‌نام از سوی تأمین اجتماعی ابلاغ می‌شود) وجود ندارد؛ به نظر می‌رسد در استان‌هایی که نرخ بیکاری به واسطه جنگ بالاتر بوده، فرآیند پرداخت مقرر ی بیکاری، سریع‌تر از سایر استان‌ها پیش‌رفته‌است. در مواردی مثل بیکاران نساجی بروجرد، خلاف قانون عمل شده‌است.

خط‌های اعتباری برای پرداخت‌های فوری پس از جنگ متصل شوند!

به نظرمی‌رسد تا خبرهای طولانی در پرداخت مقرر ی بیکاری، یکی از معضلاتی است که لازم است مسئولان برای آن چاره‌اندیشی کنند. در این شرایط، به نظرمی‌رسد همانطور که احمد میدری (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) اخیراً در نامه به عارف (معاون اول رئیس‌جمهور) برای پرداخت افزایش‌های قانونی حقوق بازنشستگان درخواست حمایت کرده، هرچه سریع‌تر باید منابع مورد نیاز صندوق بیمه بیکاری فراهم شود.

باز باشی از جنگ، نباید بروش کارگرای بیفتد که ناخواسته بیکار شده‌اند. این اصلاً عادلانه نیست. در این شرایط، به نظرمی‌رسد دولت باید خط اعتباری خاصی برای تأمین منابع صندوق بیمه بیکاری تدارک ببیند؛ در غیر این صورت، یک بحران اجتماعی عام و همه‌گیر رخ می‌دهد و آمار متقاضیان بیمه بیکاری که ماه‌ها در انتظار دریافت مقرر ی می‌مانند، از یک میلیون تومان هم فراتر می‌رود.

جدال بر سر نهاد ناظر پلنفرم‌های فروش آنلاین طلا

✂ در شرایطی که برخی اظهارنظرها از ورود بورس به حوزه نظارت بر پلنفرم‌های طلا حکایت دارد معاون مرکزی پلنفرم محیط کسب‌وکار می‌گوید تا زمانی که مصوبه هیات وزیران تغییر نکند بانک مرکزی نهاد ناظر بر پلنفرم‌های فروش آنلاین طلا است.

گروه اقتصادی خبرگزاری فارس؛ در روزهای اخیر، موضوع نظارت بر پلنفرم‌های فروش آنلاین طلا به یکی از بحث‌برانگیزترین پرونده‌های تنظیم‌گری در اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. از یک‌سو مصوبه هیات وزیران، بانک مرکزی را مسئول نظارت و ایجاد سامانه ناظر می‌داند و از سوی دیگر تصمیمات جدید در شورای عالی بورس این مسئولیت را به سمت سازمان بورس و ویورس کالا برده است. همین‌تداخل در تعیین نهاد ناظر ابهام‌هایی را در باره مرجع اصلی تنظیم‌گری این بازار به وجود آورده است. در همین رابطه، محمد رضا حاجی جعفری، معاون مرکزی پلنفرم محیط کسب‌وکار، در گفت‌وگو با خبرنگار فارس درباره تصمیمات اخیر در خصوص نظارت بر پلنفرم‌های طلا اظهار کرد: تا زمانی که مصوبه هیات وزیران وجود دارد و تغییر نکرده است، ملاک عمل همان مصوبه خواهد بود. بر اساس مصوبه مورخ ۱۴ آبان ۱۴۰۴ هیات وزیران، نظارت بر پلنفرم‌های طلا به بانک مرکزی سپرده شده است. وی افزود: طبق این مصوبه، صدور مجوز برای این پلنفرم‌ها منوط به دریافت تأییدیه از بانک مرکزی است و همچنین بانک مرکزی باید سامانه‌ای برای نظارت بر فعالیت این پلنفرم‌ها ایجاد کند. در این سامانه باید تطابق میزان سپرده طلای پلنفرم‌ها در بانک‌ها با میزان فروشی که به مردم انجام می‌دهند کنترل و نظارت شود.

تنظیم‌گری پلنفرم‌ها در اختیار بانک مرکزی است

حاجی جعفری ادامه داد: بنابراین این مقام ناظر در این حوزه بر اساس مصوبه هیات وزیران که در سطح بالائی نسبت به سایر مصوبات قرار دارد، بانک مرکزی است. تا زمانی که این مصوبه تغییر نکند هیچ مصوبه دیگری در این زمینه نافذ نخواهد بود مگر اینکه قانونی در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد. وی تصریح کرد: بانک مرکزی پیش از این پیش‌نویسی برای تغییر مصوبه هیات وزیران تهیه و به کمیسیون اقتصادی دولت ارائه کرده بود، اما همان‌جا در کمیسیون فرعی رد شد و مورد پذیرش قرار گرفت؛ بنابراین تنظیم‌گری این حوزه همچنان بر عهده بانک مرکزی باقی مانده است. معاون مرکزی پلنفرم محیط کسب‌وکار با اشاره به تکالیف قانونی بانک مرکزی گفت: بانک مرکزی باید شرایط اخذ تأییدیه برای صدور مجوز پلنفرم‌ها را تدوین و برای تصویب به هیات مقررات‌زایی ارائه کند. همچنین باید دستورالعمل سامانه ناظر را تهیه کرده و پس از تصویب، این سامانه را راه‌اندازی کند تا نظارت بر فعالیت پلنفرم‌ها از طریق آن انجام شود. وی در پاسخ به این سؤال که آیا مدل فعلی با مشکل مواجه شده است، گفت: تا جایی که اطلاع دارم، هنوز مصوبه‌ای مبنی بر ورود شورای عالی بورس به این حوزه منتشر نشده و آنچه مطرح شده بیشتر در حد اظهار نظر یا مباحثه بوده است. حاجی جعفری ادامه داد: مسئله اصلی این است که بانک مرکزی در دوره مدیریت جدید تمایل چندانی به ورود به این حوزه بر عهده گرفتن نقش تنظیم‌گر ندارد. این در حالی است که مصوبه هیات وزیران تکلیف مشخصی ابرای بانک مرکزی تعیین کرده است.

مسئولیت واردکنندگان چیست؟

بر اساس ضوابط وزارت صنعت، معدن و تجارت، شرکت‌های واردکننده موظفند پیش از عرضه خودرو، زیرساخت‌های خدمات پس از فروش، تأمین قطعات و شبکه نمایندگی‌های خود را فراهم کنند. با این حال، برخی فعالان بازار معتقدند

نمایندگی‌های محدود، مشتریان فراوان

چالش دیگر، محدود بودن تعداد مراکز خدماتی برخی برندهای وارداتی است. در بسیاری از استان‌ها هنوز نمایندگی فعال برای

برخی خودروهای تازه وارد وجود ندارد و مالکان ناچارند برای انجام سرویس‌های دوره‌ای یا تعمیرات تخصصی به شهرهای دیگر مراجعه کنند. این موضوع علاوه بر افزایش هزینه و اتلاف وقت، کیفیت خدمات را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از ح‌احم در مراکز محدود خدماتی باعث شده زمان انتظار برای دریافت خدمات افزایش یابد و برخی مشتریان از روند رسیدگی به درخواست‌های خود رضایت کافی نداشته باشند.

خودروهای برقی، چاشنی متفاوت

ورود خودروهای برقی و هیبریدی نیز ایجاد جدیدی به مسئله خدمات پس از فروش افزوده است. این خودروها به تجهیزات تخصصی، نرم‌افزارهای به‌روز و نیروی انسانی آموزش دیده نیاز

دارند؛ زیرساختی که هنوز در بسیاری از مراکز خدماتی کشور به‌طور کامل فراهم نشده است.

کارشناسان هشدار می‌دهند در صورت نبود برنامه‌ریزی مناسب برای پشتیبانی فنی خودروهای برقی، مالکان این خودروها در سال‌های آینده با مشکلات جدی‌تری مواجه خواهند شد.

^[1] در شرایطی که برخی اظهارنظرها از ورود بورس به حوزه نظارت بر پلنفرم‌های طلا حکایت دارد معاون مرکزی پلنفرم محیط کسب‌وکار می‌گوید تا زمانی که مصوبه هیات وزیران تغییر نکند بانک مرکزی نهاد ناظر بر پلنفرم‌های فروش آنلاین طلا است

^[2] در این شرایط، به نظرمی‌رسد همانطور که احمد میدری (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) اخیراً در نامه به عارف (معاون اول رئیس‌جمهور) برای پرداخت افزایش‌های قانونی حقوق بازنشستگان درخواست حمایت کرده، هرچه سریع‌تر باید منابع مورد نیاز صندوق بیمه بیکاری فراهم شود